

سال دوم

جلسه ۴۹

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۱۳ / ۱۰ / ۹۰ سه شنبه

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند
حرفی نتند
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند
حرفی نتند
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

• بررسی شد

نظریه اول:
نظریه مرحوم نائینی

• بررسی شد

نظریه دوم:
نظریه مرحوم اصفهانی

• بررسی شد

نظریه سوم:
نظریه مرحوم عراقی

نظریه چهارم:
نظریه مرحوم خوئی

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

اشکال اول مرحوم فاضل و مرحوم روحانی

اولا : بر فرض باطل بودن بقیه مبنای، چرا مبنای ایشان درست باشد؟

ثانیا : مبنای مرحوم نائینی و اصفهانی قابل تصحیح بود!

ما می گوئیم

تنها مبنای مرحوم اصفهانی قابل قبول بود

اشکال دوم مرحوم روحانی

این مبنا در مورد «صفات باری تعالی» جاری نمی شود

ما می گوئیم

مبنای ایشان درباره صفات با ذات الهی کارآمد است

چراکه : آنچه قابل تضییق نیست، «وجود» باری تعالی است و نه «مفهوم» آن

درحالیکه : ایشان دائره تضییق را در حوزه مفاهیم مطرح می کرد

اشکال سوم مرحوم روحانی

اگر گفتیم : «تضییق» موضوع له حروف است، این با همه مبانی سازگار است
پس : مرحوم خوئی نباید بگوید: چون مبنای من تعهد است، می گویم «تضییق»
چراکه : دیگران هم که مبنای دیگر دارند، می توانند بگویند «تضییق»!

ما می گوئیم

این اشکال بیان کاملی ندارد! چراکه:

مرحوم خوئی می گوید: «من می گویم تعهد و آنچه با تعهد سازگار است، تضییق است»
در جواب مرحوم خوئی باید گفت: «آنچه با تعهد سازگار است هم تضییق است و هم غیر تضییق»
و نباید گفت : «بقیه هم که تعهد را قبول ندارند، می توانند به تضییق، قائل شوند»

اشکال چهارم

می توان به مبنای «تعهد» پای بند بود و حروف را برای معنایی غیر از «تضییق» قرار داد!

إن قلت : پس بالاخره اسم اول را «مضیق» کرده اید!

قلت : این «تضییق» در همه مبنای ای که درباره معنای حرفی خوانده ایم، جاری است.

پس : در حقیقت می توان گفت این تضییق به چه وسیله حاصل می شود؟

آیا به «ایجاد ربط ذهنی» یا «مفهوم غیر مستقل»؟

اشکال پنجم

اگر : مراد مرحوم خوئی از تضییق، «تضییق کردن» است
در این صورت : این همان کلام مرحوم نائینی است یعنی «حروف تضییق را ایجاد می کند»
تفاوت : مرحوم نائینی به سبب (ایجاد ربط) و مرحوم خوئی به مسبب (ایجاد تضییق) اشاره دارد
پس : همان اشکالاتی که بر مرحوم نائینی وارد بود بر همین مبنا هم وارد می شود

و اگر : مراد از «تضییق» : «معانی و مفاهیم مضیق شده در ذهن» است
در این صورت : می توان پرسید که فرق «مفهوم مطلق» و «مفهوم مضیق» به چیست؟
مرحوم خوئی هیچ تلاشی نکرده اند که بگویند این فارق چیست که موضوع له حروف است